

گذر

نامه بانک صادرات به سهام‌داران

● مدیرعامل بانک صادرات در نامه‌ای به سهام‌داران، درباره واگذاری سال گذشته توسعه نیشکر، دلایل زیان‌دهی و برنامه‌های آینده را اعلام کرد تا بازگشایی نماد این بانک نزدیک‌تر شود. به گزارش ایلنا، بانک صادرات در حالی با ارائه پیش‌بینی درآمد حسابرسی‌نشده عملکرد شش و ۹ ماهه، باید گزارش حسابرسی‌شده شش‌ماهه را هم برای بازگشایی نماد منتشر کند که مدیرعامل بانک تجارت در نامه‌ای به سهام‌داران، درباره واگذاری سال گذشته توسعه نیشکر، دلایل زیان‌دهی و برنامه‌های آینده را اعلام کرد تا بازگشایی نماد این بانک نزدیک‌تر شود. براساس این گزارش، این بانک برای سال مالی جاری ۱۶ تومان سود برای هر سهم (حدود ۹۲۴ میلیارد تومان) پیش‌بینی کرده بود، اما در عملکرد شش‌ماهه برای هر سهم ۴۷ تومان زیان پیش‌بینی کرد. این زیان در گزارش ۹ ماهه بیشتر به ۷۵۳ ریال رسیده است.

ادامه از صفحه ۴

راهبرد بانک مرکزی برای تأسیس بانک‌های خارجی در مناطق آزاد

حفظ و نگهداری سرمایه کافی و متناسب با مخاطرات موجود، منبع اصلی اعتماد عمومی به هر بانک به‌طور اخص و نظام بانکی به‌طور اعم است. از این منظر برای حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی، حدود و ثغور عملکرد و فعالیت هر بانک در نظام پولی و مالی مبتنی بر میزان سرمایه تعیین می‌شود تا ضمن هدایت فعالیت‌های مختلف بانک‌ها در ایفا نقش واسطه‌گری مالی، آسیب‌پذیری اقتصاد ناشی از مخاطرات بالقوه فعالیت‌های بانکی کنترل شده و کاهش یابد.

۳- اهمیت افزایش سرمایه بانک‌ها در دوره پس از برجام و فراهم‌آمدن فرصت مجدد برقراری مبادلات بین‌المللی مالی برای شبکه بانکی دوچندان شده است. از این حیث که ایجاد روابط کارگزاری و افزایش تعاملات بین‌المللی بانک‌های ایرانی با بانک‌های خارجی اقتضا می‌کند در راستای توانمندسازی و ارتقای سلامت بانک‌های کشور، سرمایه بانک‌های ایرانی تقویت شود. درصورتی‌که چنین مسئله‌ای رخ ندهد یا توجه جدی به آن مبذول نشود، می‌تواند به‌عنوان یک گل‌گواه و مانع مهم بر سر راه گسترش روابط بین‌المللی و تسهیل مبادلات ارزی عمل کرده و حتی با رافع همه موانع و چالش‌های بین‌المللی، بهره‌مندی از تلاش‌های ارزشمند دولت در سه سال اخیر در حذف و کاهش تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان را با موانع جدی مواجه کند.

۴- با توجه به سهم بالای نظام بانکی در تأمین مالی اقتصاد، تنگنای اعتباری شبکه بانکی در دو بُعد کاهش دسترسی و افزایش هزینه تسهیلات به یکی از مسائل مهم اقتصاد تبدیل شده است. به منظور مرتفع‌کردن تنگنای اعتباری شبکه بانکی، دولت یکی از محورهای سه‌گانه برنامه اصلاح نظام بانکی را «افزایش سرمایه بانک‌ها» تحت نظارت و تدبیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با هدف ارتقای سلامت نظام بانکی، جلوگیری از بی‌ثباتی بانکی و افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها مقرر کرده است.

۵- یکی از مبنایی و اصول جهان‌شمول در اعطای مجوزهای بانکی آن است که بانک از سوی مالکانی واجد شرایط و دارای امکانات کارشناسی، مدیریتی، نظارتی و درعین‌حال مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گو که بتوانند ملاحظات و خواسته‌های مقام نظارتی را در مواقع لزوم تأمین کنند، تأسیس شود. بنابراین دغدغه و ملاحظه بانک مرکزی در تعیین سرمایه نهادهای پولی و بانکی در مناطق آزاد به‌طور عام و بانک‌های برون‌مرزی به‌طور خاص به شرح زیر است:

- اهداف اولیه مناطق آزاد به‌ویژه از حیث جذب و جلب سرمایه‌های خارجی تأمین شود.
- ثبات و سلامت نهادهای پولی و بانکی تا حد مقبولی تضمین شود.
- تنها بانک‌ها، نهاده‌ا و سرمایه‌گذاران معتبر و شناخته‌شده بین‌المللی مجال حضور در مناطق آزاد کشورمان را بیابند.
- مناطق به محملی برای خروج سرمایه از کشور بدل نشود.
- ۶- گرچه در محتوا و عبارات مصاحبه مشاور رئیس‌جمهوری اشاره‌ای به «فراری‌دادن سرمایه‌گذاران توسط بانک مرکزی» نشده است و این اشاره در صفحه اول تنها از جنس طبع رسانه‌ای برای جلب مخاطب، حفظ و افزایش خوانندگان است، ولی ذکر این نکته در پایان این مقال و مجال ضروری است که بانک مرکزی متولی و مقام نظارتی شبکه پولی و بانکی کشور بوده و تنها در دامنه سرمایه‌گذاری در بخش‌های پولی و بانکی دخیل و تأثیرگذار است.

- **دبیرکل بانک مرکزی - منتشرشده در تارنمای بانک مرکزی**
- **آف‌شور (Offshore)** بانک به واحد بانکی در یک مرکز مالی بین‌المللی گفته می‌شود که مالکیت آن متعلق به یک بانک غیرمقیم بوده و با قبول سپرده از بانک‌های خارجی با سایر واحدهای آف‌شور به عملیات بانکی می‌پردازد.

۴ در آخرین لحظات کار مجلس روی لایحه

برنامه ششم، بهارستان‌نشینان با الحاق ماده‌ای به برنامه ششم مقرر کردند که دستگاه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و عمومی غیردولتی تابع صندوق‌های بانزشستگی؛ از کشوری گرفته تا تأمین اجتماعی موظف‌اند با درخواست بانزشستگی بانوان شاغل که دارای حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت هستند، بدون محدودیت سنی، موافقت کنند. اکنون این لایحه از مجلس روانه شورای نگهبان شده است تا بررسی‌های بیشتری را از سر بگذرانند. با تأیید این شورا، مصوبه به مجلس شورای اسلامی بازمی‌گردد تا به شکل قانونی لازم‌الاجرا تصویب شود. به گمان شما این اتفاق برای جامعه زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه، مطلوب خواهد بود؟

من از دید کارشناسی خودم دراین‌باره اظهارنظر می‌کنم؛ نه به‌عنوان نماینده جامعه کارگری. واقعیت این است که درباره این بند که هم با سرنوشت انسان‌ها و هم صندوق‌ها در رابطه است نباید احساسی سخن گفت و قضاوت کرد. مهم‌ترین موضوع در شرایط فعلی این است که به شکل جامع، همه زوایای چنین پیشنهادی را بررسی کنیم، بنده به دو دلیل مخالف چنین موضوعی هستم؛ دلیل نخست این است؛ در عصری که ما زندگی می‌کنیم، تأکید سازمان جهانی کار این است که تساوی زن و مرد در محیط کار برقرار باشد؛ زمانی که تأکید بر تساوی مزد و مزایا بین زنان و مردان وجود دارد، به این معناست که نباید محدودیتی از هیچ نوع بین این دو به‌وجود آید، یعنی باید در همه ابعاد این نگاه وجود داشته باشد و تفاوتی بین دو جنس به‌عنوان نیروی کار وجود نداشته باشد. زمانی که زنی در یک مجموعه کار می‌کند و حق اولاد به او تعلق می‌گیرد و به مرد هم این حق تعلق می‌گیرد، یعنی از نظر حقوق و مزایا در محیط کار باید بین این دو جنس تساوی برقرار باشد. خوب؛ روشن است مباحث دیگر را هم باید به همین دید نگاه کرد. پس من معتقدم هرچه برای قشر و یک مجموعه محدودیت قائل شویم و گمان کنیم این محدودیت‌ها شرایط بهتری را برای آن مجموعه فراهم می‌کند، آن محدودیت‌ها خودش به یک مانع برای آن قشر تبدیل می‌شود. این بند هم مانعی برای اشتغال زنان هم در بخش‌های خصوصی است و هم دولتی.

● **خب، بررسی این است که چرا این بند محدودیت به حساب می‌آید؟**

چراکه زمانی که یک فرد برای نیروی کار سرمایه‌گذاری می‌کند، ناچار به دلیل جنسیت، نیرویی را که تازه به تخصص رسیده، کنار می‌گذارد. به بیان دقیق‌تر، نقطه اوج بهره‌وری نیروی کار پس از ۲۰ سال فرامی‌رسد؛ این نیرو تازه به تجربه، علم، دانش و اشراف کامل بر موضوع رسیده است و برمبنای این قانون از کار بی‌کار می‌شود؛ یعنی یک نیروی متخصص را به صرف اینکه زن است، کنار بگذاریم و افراد دیگر را جایگزین کنیم، بالطبع کارفرما زمانی که احساس می‌کند تا این اندازه برای زنان محدودیت وجود دارد، او را کنار می‌گذارد. شما به عنوان کارفرما در نظر بگیرید حاضر هستیید نیرویی را استخدام کنید که نه‌فقط به مرخصی زایمان می‌رود، بلکه پس از ۲۰ سال، زمانی که در اوج بهره‌وری است، از دست دهید؟ بنابراین معتقدم این قانون نه‌تنها کمکی به زنان نمی‌کند، بلکه چون جامع و کامل نیست، در بخش‌های دیگر از جامعه و خانواده گرفته تا محیط‌سب‌وکار و صندوق‌های بیمه‌ای اختلال ایجاد می‌کند. این قانون جامع‌الزمان نیست؛ یعنی همه زمان‌ها را پوشش نمی‌دهد. شاید به‌شکل مقطعی و اکنون مورد پذیرش باشد، اما به‌زودی و در آینده مشکل‌زا خواهد شد. مطمئن باشید این قانون باعث می‌شود در جذب نیروی کار زن، با مشکل مواجه شویم، پس نخستین ضرر متوجه کل جامعه است؛ با از دست‌دادن نیمی از جامعه به عنوان نیروی کار.

● موضوع دیگری که باید

به آن پرداخته شود، وضعیت صندوق‌های بیمه‌ای است. تصویب چنین قانونی چه اثری بر آنها خواهد گذاشت؟

اتفاق دومین دلیل مخالفت من همین موضوع است. به‌هرحال به‌خاطر داشته باشید اکنون همه صندوق‌های بانزشستگی در مرزی هستند که اگر نخواهیم بگویم به بحران رسیده‌اند، می‌توانیم باصراحت بگوییم به سربه‌سری رسیده‌اند؛ یعنی سربه‌سری منابع و مصارف. بنابراین باید توجه داشته باشیم که این صندوق‌ها موظف به تأمین حقوق بانزشستگی همه افراد تحت پوشش هستند. اگر این قانون تصویب شود، تکالیف بدون پشتوانه مالی را برای آنها ایجاد می‌کند؛ یعنی کارگر یا کارمندی که قرار بوده ۳۰ سال حق بیمه پرداخت کند، حالا ۲۰ سال پرداخت می‌کند و پس از آن هم حقوق بانزشستگی می‌گیرد. روشن است این روند همه صندوق‌ها را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. برای نمونه صندوق فولاد را در نظر بگیرید. چرا اکنون با بحران مواجه شده است؟ به این دلیل که اکنون بیش از ۸۰ درصد افراد تحت پوشش آن، بانزشسته شده‌اند. به این معنا که منابع این صندوق ۲۰ درصد و مصارفش ۸۰ درصد شده است. به‌همین‌دلیل نمی‌تواند حقوق بانزشسته‌ها را تأمین کند. دیده می‌شود صندوق بانزشستگی فولاد اکنون بیش از شش ماه است در پرداخت حقوق بانزشسته‌ها تأخیر دارد. به گمانم باید با دست‌خودمان صندوق‌های دیگر را هم این‌ا

تصمیم‌های غیرکارشناسی دچار بحران کنیم که صندوق

اقتصاد

رئیس کانون عالی شورای اسلامی کار در گفت‌وگو با «شرق» معایب بانزشستگی ۲۰ ساله را بررسی کرد

ضربه کاری مجلس به زنان



مهدی کاروبی، عضو مجلس شورای اسلامی

مهدتاب قلبی زاده

موضوع حق و حقوق زنان نیست؛ برابری خواهی زنان با مردان هم نیست؛ مسئله اصلا پیش‌رفتن با واقعیت روز جامعه جهانی هم نیست؛ این هم نیست که زنان به‌عنوان نیمی از جامعه ایران، تلاشی بیش از نیمه دیگر برای فراگیری دانش و کسب تخصص پیشه و شغل می‌کنند؛ حکایت «نیروی کار» است، فارغ از جنسیت. سخن از مصوبه‌ای است که نماینده‌های «مردم» به لایحه برنامه ششم اضافه کرده‌اند؛ مصوبه‌ای که پس از یک رفت‌وبرگشت از مجلس به شورای نگهبان، دوباره از سوی بهارستان‌نشینان به شورای نگهبان رفته است؛ اگر رای بی‌ورد، همه دستگاه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی غیردولتی تابع صندوق‌های بانزشستگی کشوری یا تأمین اجتماعی موظف‌اند با درخواست بانزشستگی بانوان شاغل که دارای حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت هستند، بدون محدودیت سنی، موافقت کنند. بااین حساب گذشته از عواقب منفی‌ای که چنین الحاقیه‌ای بر لایحه دولت بر اشتغال زنان می‌گذارد، سرنوشت صندوق‌های بحران‌زده بانزشستگی هم تغییر می‌کند؛ صندوق‌هایی در آستانه ورشکستگی که یک تلنگر بر پیکر تحیفشان می‌تواند آنها را نابود کند. «شرق» ابعاد این ماده از برنامه ششم را در گفت‌وگو با «اولیا‌علی‌بیگی»، رئیس کانون عالی شورای اسلامی کار و نماینده کارگران در هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی، بررسی کرده است. جالب آنکه این مصوبه با پیشنهاد «پروانه سلحشوری»، رئیس فراکسیون «زنان» مجلس، بررسی شد و رای آورد.

فولاد اکنون به آن دچار است. چنین است که به گمان من این قانون جامع و کامل نیست؛ زیرا هم در درآمدت به ضرر خانم‌ها خواهد بود و هم به‌حتم صندوق‌های بانزشستگی را با بحران مالی مواجه می‌کند.

● فکر می‌کنید این بار مالی چقدر خواهد بود؟

براساس دستورالعمل اکنون هر فرد باید ۳۰ سال کار کند تا مشمول بانزشستگی شود. زمانی که با این قانون زمان بانزشستگی جلو بیفتد، یعنی هر زن ۱۰ سال حق بیمه کمتری پرداخت می‌کند. باید هرچه سریع‌تر به آن فرد حقوق بانزشستگی پرداخت شود. درواقع این هزینه‌ای است که برای صندوق‌های بانزشستگی ایجاد می‌شود.

● **منظور من عدد و رقم بار مالی‌ای بود که به اینها وارد می‌شود. آیا محاسبه شده حجم بار مالی‌ای که این قانون بر دوش صندوق‌ها می‌گذارد، چقدر است؟**

خب، آمار دقیقی از این موضوع وجود ندارد، چراکه نمی‌دانیم تعداد خانم‌هایی که اکنون مشمول این طرح هستند چند نفر است اما به‌هرحال درنظر داشته باشید یک نفر هم یک نفر است. اکنون همه صندوق‌های بانزشستگی ما در مرز سالخوردگی هستند؛ یعنی در گذشته مثلاً صندوق تأمین اجتماعی در سال ۱۳۵۴ هزینه چندانی نداشت. منابع آن فراتر از مصارفش بود؛ اما اکنون به شرایطی رسیده که میزان هزینه و منابعش تقریباً سربه‌سر است. تا حدی تکالیف بی‌پشتوانه مالی هم برای این صندوق ایجاد شده که اکنون سربه‌سری منابع و مصرفشان به نقطه خطر رسیده است. می‌خواهم بگویم این زنک خطری برای دولت‌هاست. حقیقت این است که زمانی که نتوانند منابع حقوق بانزشسته‌ها را پرداخت کنند، دچار مشکلات اجتماعی خواهیم شد. برای نمونه توجه شما را به همان صندوق فولاد جلب می‌کنم. این

صندوق ۸۰ هزار نفر را تحت پوشش دارد. زمانی که نمی‌توانیم حقوق بانزشستگی آنها را تأمین کنیم و هر ماه با تجمع بخشی از آنها مواجه می‌شویم، یعنی دچار ناهنجاری اجتماعی و اقتصادی هستیم. حال تصور کنید همه صندوق‌ها به این ناهنجاری اجتماعی دچار شوند. گذشته از این، به گمان من در درآمدت هم این طرح به زنان کمکی نمی‌کند. وقتی شما مدام شرایط را برای یک بخش مهم و بزرگ از جامعه پیچیده و محدودتر می‌کنید، کارفرما که دولت یا بخش خصوصی است، رفته‌رفته آنها را از دایره کار خود خارج می‌کند. بالطبع آنها اصلا دیگر به سوی جذب خانم‌ها نخواهند رفت. از سویی دیگر هم باید این موضوع دیده شود که خانم‌ها درس خوانده‌اند، تحصیل کرده‌اند و تخصص و تجربه آموخته‌اند که آن را در اختیار جامعه قرار دهند. فراموش نکنید در بیشتر بخش‌ها هم هزینه آموزش و کسب تخصص بانوان از جیب دولت هزینه شده است؛ پس بهتر است شرایطی فراهم شود تا این قشر مهم ۲۰ سال که اوج مهارت و تجربه آنهاست؛ به این دلیل که اکنون خیل افرادی که برای جامعه در راستای توسعه مفید هستند، کنار گذاشته نشوند.

هر نیروی کاری در ۲۰ سالگی دوره کاری‌اش می‌تواند تجربه و دانشش را به‌بلوغ برساند و به دیگری هم منتقل کند، پس چرا شرایطی فراهم شود که از گردونه اشتغال خارج شوند؟

● **نکته‌ای که مطرح می‌شود این است شرایط اقتصاد در کشور به‌گونه‌ای پیش می‌رود که افراد پس**

برای نمونه حق بیمه‌ای برای کارفرما ایجاد نخواهند کرد یا نیازی نیست برای آموزش این نیرو هزینه‌های زمانی، مالی و ... شود. به‌همین‌دلیل به‌سرعت در بخش خصوصی جذب خواهند شد. اما این قصه روی دیگری هم دارد. با جذب این زنان در بخش‌های خصوصی، فرصت برای جوانان تازه فارغ‌التحصیل‌شده جویای کار از بین می‌رود.

● **نکته دیگر کسری بودجه دولت است. اکنون دولت‌های ایران با کسری بودجه جدی مواجه‌اند و این قانون می‌تواند بار جدیدی بر کسری بودجه دولت‌ها بگذارد....**

البته این طرح با مجلس به مواد برنامه ششم افزوده و دولت در آن نقشی نداشته است؛ اما این موضوع واقعیتی است که باید دیده شود. این پرسش مطرح می‌شود که آیا دولت از عهده این بار مالی برمی‌آید یا نه؟ حرف من این است که از دید کارمند دولت اظهارنظر نمی‌کنم؛ بلکه از منظر فردی که در اجتماع زندگی می‌کند و در حوزه اجتماعی، کار و کارگری مشغول‌م، اظهارنظر می‌کنم. قضاوت من این است که این طرح در بهترین حالت نقش یک قرص مُسکن را بازی خواهد کرد. اما اگر این قرص مُسکن را زیاد مصرف کنید، متوجه درد خواهید شد و سپس از مدتی بدن نسبت به آن مُسکن مقاوم می‌شود. آنگاه درمی‌یابید یک تومور در بدنتان است؛ یعنی آن مسکن تنها شما را گول می‌زده و این را زمانی می‌فهمید که علاج دردها امکان‌پذیر نیست. اعتقاد من این است که این طرح در درازمدت نه‌فقط کمکی به اشتغال جامعه نمی‌کند، بلکه فرصت‌های شغلی را از بین خواهد برد و هم هزینه زیادی را بر صندوق‌های بانزشستگی تحمیل می‌کند که به یک بحران اجتماعی تبدیل می‌شود. یک نمونه برایتان مثال می‌زنم. اگر فردی در یک کارخانه مشغول به کار شود، باید ۳۰ درصد حقوقش را به‌عنوان حق بیمه پرداخت کند. فردی که بانزشسته می‌شود از پرداخت حق بیمه معاف می‌شود، چراکه دیگر بانزشسته است و به بیمه نیازی ندارد. آیا کارفرما حاضر است فردی را که ۲۰ سال تجربه آموخته، جوان است و توانایی کار دارد اما از این قانون استفاده کرده و بانزشسته می‌شود، به کار گیرد؟ سرمایه‌گذار بخش خصوصی هم رغبت بیشتری برای استفاده از این فرد دارد تا فردی که تازه‌کار و بی‌تجربه است و باید ماهانه ۲۰ درصد حق بیمه هم برایش پرداخت کند. این خود بهترین دلیل برای مانع اشتغال مولد شدن این قانون است.

این کتاب از آن نوعی است که وقتی اسمش را می‌بینی اول «مسخره»‌اش می‌کنی: «آخه اکون آبادی‌ها هم شد اسم؟ اسمی قشنگ‌تر از این نبود؟ آدم یاد یک جاهای بد بد می‌افتد.»

فهرست کتاب را که می‌بینی – با آن عناوین مسخره – تصمیم می‌گیری «نادیده»‌اش بگیری: «من که وقت خواندن این کتابهای بی‌ارزش را ندارم...». بعد همین‌جور که نشستهای مقدمه‌اش را می‌خوانی و تصادفی هم چند صفحه‌های را مرور می‌کنی، با هر جمله یک سوال جدی در ذهنت رژه می‌رود و ذهنت شروع می‌کند به نقد و اگر کسی هم بغل دستت نشسته باشد «تخریب» کتاب را شروع می‌کنی که: «بین وقتی یک آدم طنزناز نامتخصص بیاید توی یک حوزه تخصصی کتاب بنویسد، چه اراجیفی می‌شود، یعنی چه که یک طنزپرداز کتاب اقتصادی بنویسد؟». همین‌جور که داری این جمله‌ها را در ذهنت مرور می‌کنی می‌بینی دو- سه روزی است کتاب تو را رها نمی‌کند و تو را با خود برده است. و این گونه می‌شود که اواخر هفته می‌شود و می‌بینی نیمه‌ی کتاب را رد کرده‌ای.

دیگر دلت نمی‌آید آن را ادامه ندهی و تا تعطیلات آخر هفته تمام شود، همه‌ی کتاب را خوانده‌ای و آنگاه در ذهنت چهره نویسنده را می‌بینی که با سبیل‌های دسته کنری‌اش، «پیروزمندان» لخنه می‌زند که توانسته است هم آخر هفته تو را خراب کند و هم تحسین تو آدم پُرمدعای مشکل‌پسند را برانگیزاند.

دکتر محسن رنانی (اقتصاددان و استاد دانشگاه)

خبر

تکذیب انتساب نقل قول از ترکان درباره جعل سند در وزارت راه

● روابطعمومی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی اعلام کرد: انتساب نقل‌قول درباره «جعل سند در وزارت راه و شهرسازی» به اکبر ترکان، مشاور رئیس‌جمهور تکذیب می‌شود. به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه خبری مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، اکبر ترکان که از سوی دولت مسئول رسیدگی به حادثه قطار در سمنان شده بود، در پی انتشار اخباری به نقل از وی، اتهام جعل اسناد به وزارت راه‌وشهرسازی را تعبیرسازی غیرکارشناسانه بعضی رسانه‌ها خواند و افزود: بنده در جلسه کمیسیون اشاره کردم که خطا در گزارش‌دهی در ایستگاه شاهرود بوده و این موضوع ارتباط فنی به حوزه وزارتی ندارد. ترکان ادامه داد: همه گزارش‌های تهیه‌شده مستند و مدون در اختیار معاون اول رئیس‌جمهور قرار گرفته است.

مشکل فرودگاه مشهد کمبود مواد یخ‌زداست

● مدیر کل مدیریت بحران استانداری خراسان رضوی گفت: باند فرودگاه مشهد باز است و مشکل اصلی کمبود مواد یخ‌زداست. حجت علی‌شایانفر به گفت‌وگو با ایرنا افزود: مواد یخ‌زدای مورد نیاز در حال انتقال به مشهد است و با رسیدن این مواد و گرم‌ترشدن هوا مشکلات موجود رفع می‌شود. وی اظهار کرد: عوامل فرودگاه تلاش خود را برای رفع مشکل انجام داده‌اند و دیشب تعداد بسیاری از پروازها انجام شد. وی گفت: برای مدیریت بهتر شرایط، تمام پروازها از تهران به مشهد تا اطلاع ثانوی لغو شده است. مدیر کل شرکت فرودگاه‌های خراسان رضوی نیز گفت: هم‌اکنون مشکلی برای پروازها در باند فرودگاه مشهد وجود ندارد. محمدباقر قاسم‌زاده افزود: لغو برخی پروازها مربوط به فرودگاه نیست، بلکه شرکت‌های هواپیمایی بنا به دلایلی پروازها را لغو کرده‌اند. دیروز دو پرواز شرکت هواپیمایی کاسپین، یک پرواز شرکت هواپیمایی ماهان و دو پرواز دیگر که باید صبح انجام می‌شد با تأخیر مواجه شده و بامداد امروز انجام شد. فرودگاه بین‌المللی شهید هاشمی‌نژاد مشهد، دومین فرودگاه پرترد کشور پس از فرودگاه مهرآباد تهران است که به طور متوسط در شرایط عادی روزانه ۱۸۰ پرواز از آن انجام می‌شود.

نشرگانندو



نویسنده: پوریا عالمی

تصویرگر: سلمان طاهری

اولین خواننده داستان طنز اکون آبادی‌ها باشید

نام، نشانی و شماره‌تان را به ۰۹۱۰۰۴۸۴۴۸۱ تلگرام یا sms کنید

و کتاب را با امضا نویسنده، به نام خودتان یا هر کسی که دوست دارید، هر کجا که مایل هستید، تحویل بگیرید

اگر در نظر دارید کتاب‌های نشر گاندو را به عنوان هدیه نوروزی و عیدی تهیه کنید، سفارش‌های بالای ۵۰ نسخه با ۱۵ درصد

و بالای ۱۰۰ نسخه با ۲۰ درصد تخفیف برای شما محاسبه می‌شود